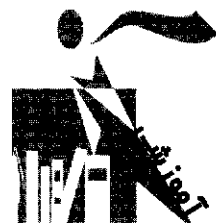


# چه کسی می خواهد یک معلم تربیت بدنی باشد؟

تصمیم گیری برای برنامه‌ی آموزشی در سن مسؤلیت پذیری و پاسخگویی



ترجمه:  
محسن فلاهی  
نویسنده:  
نارد فیلیپ

## مقدمه

موضوع آماده سازی معلمان تربیت بدنی برای تدریس این درس در دوره های تحصیلی سه گانه، مدنظر برنامه ریزان ستادی است. آن ها از این موضوع آگاهی دارند که «معلمان تازه کار»<sup>۱</sup>، اگر چه دارای مدرک تحصیلی مرتبط هستند و دوره ی تمرین دبیری را نیز پشت سر گذاشته اند، اما لازم است در سال های اولیه ی تدریس از طریق ارائه ی دانش های تخصصی و ارائه ی اطلاعات لازم در خصوص انواع شیوه های تدریس، آن ها را با تجربه سازند.

تحقیقات نشان داده است، معلمان تازه کار بدون توجه به آموزش های دوران تحصیلی و تمرین دبیری، چنان خود را در فعالیت ها غرق می کنند که به سرعت دچار خستگی و واماندگی می شوند [stroot, 2001]. از سوی دیگر، اغلب آن ها به گونه ای رفتار می کنند که گویی از متن مدرسه جدا افتاده اند و تنها معلم تربیت بدنی هستند، و یا باورها و تجربه های متفاوتی با سایر همکارانشان دارند.

در دو مقاله که به تدریج ارائه خواهد شد، می کوشیم پیرامون تربیت معلم و آماده سازی معلمان تازه کار برای تدریس روان تر و اثربخش تر، دانش های لازم را ارائه کنیم. مقاله ی اول که پس از این مقدمه ملاحظه خواهید کرد، در ارتباط با تصمیم گیری در خصوص برنامه ریزی درسی در سن مسؤلیت پذیری و پاسخگویی است؛ یعنی سنی که معلمان به چنان بلوغی می رسند که توانایی تصمیم گیری در خصوص برنامه ریزی آموزشی را پیدا می کنند.


استروت، در دومین مقاله از این موضوع صحبت می کند که معلمان تازه کار باید راجع به چگونگی احساس مسؤلیت در برابر رشد حرفه ای شان پیشنهاداتی بدهند. در این مقاله، معلمان به یادگیری طرز استفاده از فرصت های آموزشی در سطح منطقه، ایالت و کشور به منظور توسعه ی دامنه ی تجربه های حرفه ای شان تشویق می شوند.

## برنامه آموزشی

سخن گفتن از برنامه ی آموزشی، برخی دیگر، تماماً به معنی رسیدن به مقصدی است. در تربیت بدنی، این مسافرت شامل تجربه های آموزشی یک مسافرت است، درحالی که برای برخی دیگر، تماماً به معنی رسیدن به مقصدی است. در تربیت بدنی، این مسافرت شامل تجربه های آموزشی

است که دانش آموزان با آن درگیر هستند. در مقابل، مقصد، دستاوردهای برنامه ی آموزشی است. آنان که برای این سفر ارزش قائل هستند، مقصد را محصول یک فرایند می دانند؛ فرایندی که نوعاً به عنوان تجربه هایی از آن یاد می شود که دانش آموزان در طول این سفر به دست می آورند. برای آن هایی که به مقصد اهمیت می دهند (یعنی کسانی که صرفاً به دنبال نتیجه هستند)، سفر وسیله ای است که دانش آموزان را به سمت دستاوردهای برنامه ی آموزشی سوق می دهد.

تجربه های آموزشی یک سلسله وظایف پیوسته اند که منطقی و روی هم رفته، مجموعه ای از دستاوردها را به همراه می آورند، دیدگاه معاصر در خصوص برنامه ی آموزشی، بر هر دو مورد، یعنی فرایند و نتایج، تأکید می کند. چنین دیدگاهی، اهمیت «فرایند» و ارتباط آن با حصول نتایج و دستاوردها، و نیز «حمایت» و «تمرکز»ی را که این دستاوردها از طریق فرایند مذکور بر آن تأکید دارند، به ما می شناساند. برنامه ریزی درسی و اجرای آن، فرایندهایی عقلانی هستند که نقش



معلم در آن‌ها عبارت است از متفکر بودن، سنجش و تصمیم‌گیری. در چنین نقش‌هایی، معلم بر تمامی طراحی برنامه‌ریزی آموزشی، انتقال مفاهیم موجود در محتوای درسی و ارزشیابی تأثیر می‌گذارد. چنین نقش‌هایی به هر حال گویای آن است که تصمیمات در متن تمامی یک برنامه گرفته می‌شوند و بر معلمان و دانش‌آموزانی که با آن درگیر هستند، اثر می‌گذارند. در این مقاله، از بازی «چه کسی می‌خواهد یک میلیونر باشد؟» برای بیان برخی عناصر کلیدی تصمیم‌گیری درخصوص برنامه‌ی آموزشی در فضای آموزشی دنیای امروز، استفاده شده است.

سنجش عقلانی برنامه‌ی آموزشی بر این فرض استوار است که تصمیمات گرفته شده در متن یک برنامه‌ی مطلوب، مبتنی بر دیدگاه تربیت‌بدنی است. مثالی از یک فلسفه‌ی شخصی که اغلب بیان می‌شود، عبارت است از مرام تربیتی جان دیویی (۱۹۲۹). در مرام‌نامه‌ی او، عقاید و باورهایش پیرامون پنج سؤال محوری شناخته می‌شوند:

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

در بعضی از موارد ممکن است، تربیت بدنی همچون ریاضی و خواندن و نوشتن مهم ارزیابی نشود. در این صورت باید بتوانیم، شواهد و مستندات و ارائه دهیم که نشان‌دهنده تغییراتی باشند و آن‌ها را در برنامه‌ریزی آموزشی اعمال می‌کنیم

۱. آموزش و پرورش چیست؟
  ۲. مدرسه چیست؟
  ۳. موضوعات و مواد آموزشی کدامند؟
  ۴. طبیعت شیوه‌های تدریس، یعنی نحوه‌ی آموزش، چگونه است؟
  ۵. ارتباط مدرسه و پیشرفت اجتماعی چگونه باید باشد؟
- در برنامه‌ی آماده‌سازی معلمان در دانشگاه ایالتی اوهایو، از دانشجویان خواسته می‌شود، پیرامون فلسفه و دیدگاهشان درباره‌ی تربیت بدنی سخن بگویند. در ادامه، به بعضی از سؤالاتی که در شکل‌گیری یک فلسفه دخالت دارند، اشاره می‌شود.
- کدام یک از موارد زیر در توسعه و تکامل برنامه‌ریزی آموزشی دخالت دارند؟
- (الف) بیان هدف‌های آموزشی
  - (ب) انتخاب محتوا
  - (ج) روش‌های آموزشی
  - (د) ارزیابی آموزش
  - (ه) ارزشیابی و بازنگری برنامه‌ی آموزشی
- (ی) تمام موارد فوق  
پاسخ سؤال فوق گزینه‌ی (ی) است؛ یعنی تمام موارد فوق. ارزش این سؤال چالش برانگیز در بازی ما معادل ۱۰۰ دلار است (یعنی جزو سؤالات ۱۰۰ دلاری است).  
گزینه‌های الف تا ه از جمله مواردی هستند که استادان تعلیم و تربیت سالیان طولانی در حوزه‌ی برنامه‌ریزی آموزشی، تدریس کرده‌اند؛ به ویژه آن دسته از برنامه‌های آموزشی که از ترکیب این عناصر تشکیل شده‌اند و دارای روابط درونی هستند.  
گاهی از ما به عنوان یک معلم، درخصوص توسعه‌ی برنامه‌ی آموزشی یک مدرسه یا ناحیه (منطقه) سؤال

می‌شود. در این خصوص، هدف‌های آموزشی را به خاطر می‌آوریم که از آغاز برنامه‌های آمادگی معلمان یاد گرفته ایم. هدف‌های آموزشی تربیت بدنی به طور تاریخی (از گذشته تاکنون) برحسب حوزه‌های روانی حرکتی، شناختی و عاطفی تعریف و تدوین شده‌اند. مقصود از این هدف‌های آموزشی تخصصی و تفکیک شده، دستیابی به استانداردهایی است که برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شده‌اند. در ۲۰ سال گذشته، تحقیقات بسیاری در محتوای مواد آموزشی دوره‌ی تحصیلی ابتدایی انجام گرفته‌اند. روند تکامل شناخت و انتخاب فعالیت‌های جسمانی مناسب، بر انتظارات ما نسبت به این که کودکان در دوره‌ی تحصیلی ابتدایی قادر به چه کارهایی باید باشند، و نیز انتظار ما از چگونگی اجرای این فعالیت‌ها، تأثیر زیادی دارد.  
از سایر موارد تأثیرگذار می‌توان از سازماندهی محتوا سخن گفت که در بعضی حالات، از تکامل مهارت‌ها تا درآمیختن (ترکیب) حرکات تنوع دارد و این روند در کلاس‌های آخر دوره‌ی ابتدایی، به سمت رویکردهای تاکتیکی در بازی‌ها ادامه می‌یابد. این روند بر روش‌های آموزشی ما تأثیر می‌گذارد و سبب می‌شوند، به استفاده از روش‌های تدریس آموزش برابر، ارزیابی یکسان و یادگیری هم‌پاری



رویآوریم. رویکردهای معاصر در ارزیابی، شامل استفاده از راهبردهای معتبر به منظور ایجاد ارتباط و مفهوم بخشی به ارزیابی، و استفاده از فرم‌های جایگزین برای ارزیابی، همچون خودارزیابی، و ابزار ارزیابی بازی‌های گوناگون است. استفاده از این شکل‌های ارزیابی به معلمان امکان می‌دهد، نسبت به تأثیر برنامه‌ی درسی شان بر دانش‌آموزان، از حیث نزدیک کردن آن‌ها به هدف‌های آموزشی، قضاوت صحیح داشته

باشند. شایان ذکر است، رویکرد ما نسبت به برنامه‌ی آموزشی باید در دوران مسؤلیت‌پذیری و پاسخگویی تغییر پیدا کند.

در بعضی از موارد ممکن است، تربیت بدنی همچون ریاضی و خواندن و نوشتن مهم ارزیابی نشود. در این صورت باید بتوانیم، شواهد و مستندات ارائه دهیم که نشان‌دهنده‌ی تغییراتی باشند و آن‌ها را در

برنامه‌ریزی آموزشی اعمال می‌کنیم. در یک مدرسه در حومه‌ی شهر، بعضی از کلاس‌های درس‌های دیگر، جایگزین کلاس تربیت بدنی شده‌اند. بچه‌ها به سالن ورزشی

می‌آیند، ولی به جای پرداختن به فعالیت‌های جسمانی و مواد درسی تربیت بدنی کتابی در دست می‌گیرند و مطالعه می‌کنند؛ چرا که به درس‌های دیگر بیش‌تر از درس تربیت بدنی اهمیت داده می‌شود و آن‌ها را مقدم بر این درس می‌دانند. شناخت این محدودیت‌ها بهانه‌ای برای کنار گذاشتن طرح درس نیست، بلکه در عوض باید با تلاشی بیش‌تر، بر موضوع برنامه‌ریزی درسی برای استفاده‌ی مطلوب از زمان کلاس تأکید کنیم. در این جای یک سؤال ۱۰۰ هزار دلاری مطرح است:

- کدام یک از موارد زیر بر برنامه آموزشی تأثیر گذارند؟
- (الف) نیازهای دانش‌آموزان
- (ب) ارزش‌های شخصی آنان
- (ج) استانداردها و استندهای مدرسه
- (د) تمام موارد فوق

پاسخ‌گزینه‌ی (د) است. اگرچه گفتن این سخن ساده‌تر از عمل کردن به آن است، کم‌تر مدل برنامه‌ی آموزشی وجود دارد که اجازه دهد، به نیازهای دانش‌آموزان پاسخ شایسته داده شود. به نظر من، بهترین پاسخگویی به نیازهای دانش‌آموزان، شناخت آن‌هاست. ارزش‌های شخصی نیز در انتخاب مدل برنامه‌ی آموزشی، و آموزش و سخت‌گیری آن تأثیر می‌گذارند. معلمان که به ادب اجتماعی ارزش می‌دهند، احتمالاً بر رعایت این توانایی رفتاری در سالن ورزشی تأکید می‌کنند و معلمان‌ی که

برای آمادگی جسمانی دانش‌آموزان ارزش قائل هستند، احتمالاً بر ساخت یک برنامه‌ی درسی با محتوای فعالیت‌های جسمانی در کلاس‌هایشان تأکید می‌ورزند.

به منظور دستیابی دانش‌آموزان به نیازهایشان و نیز ارج نهادن به ارزش‌های معلمان و محیط مدرسه، برنامه‌ی آموزشی نه تنها باید با استانداردهای ملی، بلکه با استانداردهای مدرسه هم‌سو شود. اکنون این سؤال می‌شود که آیا باید هر دانش‌آموز دارای یک برنامه‌ی درسی ویژه باشد، یا این که معلم باید در جست‌وجوی راهی بکوشد که با برنامه‌ی درسی موجود (که برای تمام کلاس طراحی شده است)، به نیازهای همه‌ی دانش‌آموزان پاسخ دهد. البته در این خصوص مدرکی وجود ندارد که نشان دهد، کدام طریق بهتر است. اما توانایی شناخت جزئیات ارتباط برنامه‌ی درسی آنان با استانداردهای تدوین شده، پیش‌نیاز ضروری حرفه‌ی دبیری تربیت بدنی در قرن بیست و یکم است. در این جای یک سؤال ۲۵۰ هزار دلاری وجود دارد:

- کدام یک از گزینه‌های زیر در انتخاب برنامه‌ی آموزشی تعیین‌کننده است؟
- (الف) وسایل و تجهیزات داخل اتاق معلم (اتاق ورزش)
- (ب) آب و هوا
- (ج) سالن ورزشی
- (د) تئوری برنامه‌ی آموزشی
- (ه) مدل‌های برنامه‌ی آموزشی
- (ی) همه‌ی موارد فوق

پاسخ همه‌ی موارد فوق است، اما بعضی از موارد نسبت به بقیه تعیین‌کننده‌ترند. اغلب تصمیم‌گیری درباره‌ی این که چه چیز باید آموزش داده شود و با چه روشی این کار باید

معلمان که به ادب اجتماعی ارزش می‌دهند، احتمالاً بر رعایت این توانایی رفتاری در سالن ورزشی تأکید می‌کنند و معلمان که برای آمادگی جسمانی دانش‌آموزان ارزش قائل هستند، احتمالاً بر ساخت یک برنامه‌ی درسی با محتوای فعالیت‌های جسمانی در کلاس‌هایشان تأکید می‌ورزند



## برنامه‌ی آموزشی به وسیله‌ی حوزه‌ی آکادمیک به معلمان ارائه می‌شود و از معلمان خواسته می‌شود، مدل‌های برنامه‌ی آموزشی را به منظور اعتباربخشی به تئوری‌های برنامه‌ی آموزشی بیازمایند

انجام شود، تابع امکانات و تجهیزات در دسترس، شرایط آب و هوایی، مکانی که آموزش باید در آن‌جا به اجرا درآید و یا حتی مطالب اقتباس شده از شیوه‌های تدریس همکاران و کنفرانس‌ها و همایش‌هاست. موارد ذکر شده قطعاً شایان توجه هستند، اما نباید تعیین‌کننده‌ی جهت شیوه‌های اجرای برنامه‌ی درسی معلم باشند. این شیوه‌های اجرایی که جزء اختیارات معلم محسوب می‌شوند، باید با توجه به نیازهای دانش‌آموزان و ارزش‌های معلمان، به طور منطقی و شفاف در طرح درس منعکس شوند.

ضروری است، معلمان ایده‌ها و تصورات خود را درباره‌ی آموزش و یادگیری، با برنامه‌ی آموزشی مصوب همراه و هم‌سو سازند. یکی از دلایلی که معلمان از تفکر و تعمق درباره‌ی برنامه‌ی آموزشی دور می‌مانند این است که آن‌ها اغلب اعتمادی به تئوری‌های برنامه‌ی آموزشی ندارند. در این ارتباط، آن‌ها معتقدند، این تئوری‌ها جنبه‌ی نظری دارند و با فضای محیط‌های تدریس درس تربیت‌بدنی و آموزش رشته‌های تربیت‌بدنی به خوبی مرتبط نیستند. علاوه بر این، برای استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی آموزشی احتیاط‌هایی وجود دارد.

زمانی تئوری‌ها یا مدل‌های برنامه‌ی آموزشی مورد قبول واقع می‌شوند که بیش از نتایج مورد انتظار به رویکردهای آموزشی ملی یا محلی توجه شود. گرچه برنامه‌ی آموزشی مبتنی بر تئوری است، اما مانند تعلیم و تربیت، مبتنی بر تئوری مشخصی نیست. اکثر آنچه محققان کشف کرده‌اند، درباره‌ی اثرات آموزشی به

دست آمده از مشاهده‌ی معلمان است و تقریباً قبل از آن که محقق به پژوهش اقدام کند، وجود داشته‌اند. بنابراین نمی‌توان آن‌ها را به کارایی تئوری و مدل آموزشی نسبت داد.

برنامه‌ی آموزشی به وسیله‌ی حوزه‌ی آکادمیک به معلمان ارائه می‌شود و از معلمان خواسته می‌شود، مدل‌های برنامه‌ی آموزشی را به منظور اعتباربخشی به تئوری‌های برنامه‌ی آموزشی بیازمایند. این کار خوبی است، اما نیاز داریم بدانیم که چه مدلی عملی و کارتر است. ما نیز همچون محققان و معلمان نیاز داریم، ایده‌ها و نظراتمان را درباره‌ی یادگیری، با برنامه‌ی درسی مرتبط کنیم. برای مثال، بسیاری از معلمان خواستار افزایش مسؤلیت‌پذیری و مهارت‌های اجتماعی در درس‌هایشان هستند. در اغلب موارد، آموزش ما بر مسؤلیت‌پذیری و مهارت‌های اجتماعی متمرکز نیست. این مهارت‌ها نوعاً به شکل اتفاقی، و نه به عنوان بخشی از برنامه‌ی درسی که از پیش طراحی شده‌اند، آموزش داده می‌شوند. برای بسیاری از این معلمان، رشد و تکامل مهارت‌های اجتماعی شامل پاسخگویی به رفتارهای نامناسب است. از این رو، عملکرد آموزشی آن‌ها با برخی از ارزش‌ها تناسب ندارد.

رعایت تئوری برنامه‌ی آموزشی و مدل‌های آن می‌تواند راهنمای خوبی برای معلمان باشد. راهنمایی و کمک به معلمان، به ویژه معلمان تازه‌کار، به منظور هماهنگ ساختن و تنظیم برنامه‌ی درسی متناسب با ارزش‌های خودشان و نیازهای دانش‌آموزان، باید به عنوان یک هدف اصلی در تربیت معلمان تربیت‌بدنی مدنظر قرار گیرد.

در این‌جا با یک سؤال ۵۰۰ هزار دلاری روبرو هستیم.

\* کدام یک از گزینه‌های زیر عملکردهای برنامه‌ی آموزشی کنونی هستند؟

- (الف) محقق برنامه تا حدودی
- (ب) ارزیابی و پاسخگویی
- (ج) ارتباط با مدرسه، اجتماع و خانواده
- (د) تمام موارد فوق

بله، پاسخ گزینه‌ی (د) است. مفهوم «تحقق برنامه تا حدودی»، با واقعیت مدرسه‌های امروز هم‌خوانی دارد. این قبیل واقعیات برای افرادی که وقتی را برای شناخت آن‌ها صرف نمی‌کنند، مشهود نیستند. چنینگ (۱۹۹۵) در این خصوص می‌گوید: «زمانی که شما رانندگی با اتومبیل، نواختن پیانو یا ویولن و یا پرواز با هواپیما را می‌آموزید، به شما می‌گویند که چه چیزی را باید بدانید، در این صورت برای یادگیری، راهنمایی‌های لازم را دریافت و نسبت به اصلاح خود اقدام می‌کنید. اگر شما به درستی نتوانید پرواز یا رانندگی کنید، به شما آموزش بیش‌تری می‌دهند و سپس دوباره برای نمایش آنچه فراگرفته‌اید، کوشش خواهید کرد. اما راه عاقلانه و منطقی یادگیری موضوعات چیست؟» چنینگ ادامه می‌دهد که معلمان و مدرسه‌های دولتی بدین طریق عمل نمی‌کنند. انسان اگر بدین طریق آموزش دهد، احساس خوبی را به وجود خواهد آورد. به هر حال، او به گونه‌ای واقعیات حاکم بر مدرسه‌های ما و ویژگی‌های پنهان حرفه‌ی ما را توصیف می‌کند.

تمام موارد گفته شده، به سادگی انجام می‌شود. برای مثال، چه قدر یک خلبان فرضی به موفقیت می‌رسد، اگر







قوانین دولتی، ساعات مورد نیاز برای تمرین را کاهش بدهد؟ مثال‌های یادگیری رانندگی، نواختن به وسیله موسیقی و پرواز، مبتنی بر این فرض است که زمان کافی برای آموزش یادگیری و نیز به همین میزان آموزش فردی مدنظر قرار گرفته است. چنین فرضی در مدرسه‌های دولتی صحت ندارد. برای آموزش کامل لازم است، تعداد دانش‌آموزان کم، کلاس‌ها بزرگ، فضای آموزشی متنوع و جمعیت دانش‌آموزی دارای توانایی بالایی باشد. چنین ویژگی‌هایی در مدرسه‌های دولتی به ندرت به چشم می‌خورد. اگرچه در مجموع این موارد بر پرورش فرد و آموزش به عنوان یک ضرورت تأکید می‌کند، اما به دست آوردن چنین شرایطی دشوار است.

همچنین می‌توان این سؤال را مطرح کرد که: اگر به جای بحث از آموزش تکنیک‌های رانندگی، به نوع اتومبیلی که با آن آموزش می‌دهیم، اهمیت بدهیم، واقعاً برنامه‌ی آموزش رانندگی چه قدر با موفقیت به انجام می‌رسد؟ به هر حال، پس از گذشت نیم قرن، این یک واقعیت انکارناپذیر است که هنوز بین معلمان تربیت بدنی اجماع نظری پیرامون محتوا و روش تدریس تربیت بدنی وجود ندارد.

درخصوص تفکر درباره‌ی برنامه‌ی آموزشی و سنجش آگاهانه‌ی آن، معلمان ناگزیرند با این حقیقت روبه‌رو شوند که باید در دنیای توأم با روابط ازهم‌گسسته و ناکامل، برای کشف آنچه مورد علاقه‌ی آن‌هاست، به تعمق پردازند. خلاصه این که اکنون با واقعیات پیرامون خود و محدودیت‌هایی زندگی می‌کنیم که نمی‌توانیم آن‌ها را نادیده بگیریم.

علاوه بر این‌ها، معلمان بر ارتباط

و تلفیق عناصر برنامه‌ی درسی شان با عناصر برنامه‌ی درسی سایر درس‌ها تأکید دارند. تلفیق درس تربیت بدنی با دیگر موضوعات درسی مدرسه، مثالی از تماس‌ها و ارتباطات درون مدرسه‌ای است. همچنین از معلمان خواسته می‌شود، نسبت به گزینه‌های ورزشی پیش روی دانش‌آموزانی که در خارج از مدرسه در زمینه‌ی گذران اوقات فراغت با آن‌ها روبه‌رو هستند، بی‌تفاوت نباشند و اطلاعات لازم را به دانش‌آموزان ارائه کنند.

معلم چه انجام می‌دهد؟ سؤالات چند میلیون دلاری! بهترین برنامه‌های آموزشی، همچون بهترین معلمان، آن‌هایی هستند که بتوانند ارزش‌های معلم را به نیازهای دانش‌آموزان نزدیک کنند. از آن‌جا که ارزش‌های معلمان و نیازهای دانش‌آموزان بسیار متفاوت هستند، برنامه‌های آموزشی نیز باید به منظور ایجاد هماهنگی، خود را با چنین شرایطی تطبیق دهند. این همان زمینه‌ی تعمق و تفکر است. وجود استانداردهای انجمن ملی تربیت بدنی (NASPT)، فقدان برنامه‌ی آموزشی (درسی) ملی، و ویژگی‌های خاص تربیت بدنی در مدرسه‌ها (که اغلب دیده می‌شوند، ولی از آن‌ها سخنی به میان نمی‌آید)، به معلمان تربیت بدنی امکان می‌دهد، برای تنظیم برنامه‌ی درسی (آموزشی) تلاش کنند تا بتوانند، به نحو احسن نتایج مطلوبی به دست دهند.

زیر نویس  
I. beginning Teacher

منبع  
Ward, Phillip.  
"curriculum Making in an Age of Responsibility and A ccount ability". teaching Elementary Physical Education. March 2001.